

متن پرسش

با سلام خدمت استاد گرامی، بنده کتاب های بسیار خوب شما را مطالعه می کنم و اخیرا کتاب "جایگاه جن، شیطان و جادوگر در عالم" را مطالعه کردم و سوالها و اشکالاتی برایم بوجود آمده که احتیاج به صبر و جواب حضرتعالی دارم: ۱- تمام علما و مراجع بالاتفاق میگویند یادگیری سحر برای دفع سحر اشکال ندارد و بعضی میگویند واجب کفایی است و مراجعه به ساحر برای این امور نیز خالی از اشکال است. ۲- اینکه شما میفرمایید که ما توجهی به سحر نداشته باشیم پس چرا مراجع بزرگوار میفرمایند برای ابطال سحر حتی میتوان از سحر استفاده کرد (به اصطلاح فقهی دفع سحر به سحر و یا حتی دفع مفسده به سحر، کتاب فقه الصادق جلد ۱۴ این موضوعات را کاملا از دید فقهی و اشکافی کرده است) و بزرگان این قضیه را به بیماری و مراجعه به پزشک که اسباب است تشبیه کرده اند (تصاویر استفتائات موجود است) ۳- چرا بعضی بزرگان مانند ابن سینا، میرداماد، ملا حسین کاشفی (اسرار قاسمی) و ... کتاب درباره علم طلسمات و تسخیرات دارند؟ ۴- نقش چیزهایی که بعنوان طلسم چال می کنند که متشکل از چیزهای عجیب (مانند استخوان مرده، موی مرده، اب غسالخانه و ...) است چیست؟ ۵- شما که فرموده اید احضار روح حرام است چرا خودتان در جلسه احضار ارواح شرکت می کنید؟ (در سخنرانی حضرتعالی در بحث معاد و قضیه رجعت و سوال از روح درباره امام خمینی (ره)) و یا امثال شاگرد برادر علامه (ره) و از کجا معلوم کسی که به شما درباره رجعت اطلاعات داده شیطان نبوده؟ ۶- با هیپنوتیزم میتوان به عالم برزخ سیر کرد؟ ۷- اگر کسی بخواهد واقعا با روح مرده ای ارتباط برقرار کند (حداقل از احوالاتش آگاه شود) از چه روشی میتواند بهره بگیرد؟ (از روش های شرعی) ۸- در صفحه ۹۷ به بحث دنبال خواب رفتن پرداخته اید و آنرا خیلی درست نمیدانید در صورتیکه در مفاتیح چند دستور دینی برای خواب دیدن فرد یا موضوع موردنظر داریم، این دو چطور با هم تفسیر میشوند؟ ۹- آیا جنیان قابلیت تغییر در جسم مثالی خود دارند، مثلا در جایی فرمودید که دو وجب قد دارند و در جای دیگر در هنگام تشریف خدمت معصوم فرموده اید به هیبت انسانهای هندو بوده اند

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: به گفته‌ی شیخ انصاری در مکاسب محرمة، یکی از اعمالی که فی‌نفسها تحریم‌شده و فاعل آن معاقب است، سحر است و همان‌طور که فرمودید در ابطال سحر به کمک سحر استفاده از جادو تجویز شده، ولی باز تأکید می‌کنند که حرام بودن سحر از ضروریات دین است و کسی که آن را حلال بداند محکوم به کفر است. امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ۷۹ می‌فرمایند: «الْمُنْجَمُ كَالْكَاهِنِ

وَ الْكَاهِنُ كَالسَّاحِرِ وَ السَّاحِرُ كَالْكَافِرِ وَ الْكَافِرُ فِي النَّارِ « کاهن چون ساحر، و جادوگران همانند کافران و کافر در آتش است. و نیز حضرت فرمودند: هر آن کس جادوگری را فرا بگیرد کم باشد یا زیاد، کافر شده است. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۰۷). آنچه بنده در آن کتاب عرض کردم تأکید بر روی آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره است که تأکید دارد ساحر به خودی خود نمی‌تواند نقشی در سرنوشت انسان‌ها داشته باشد مگر به اذن خداوند که خداوند بخواهد کسی را از طریق جادوگر تنبیه کند. می‌فرماید: « مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ » پس راه اصلی مقابل سحر ساحران توسل به خداوند و توکل به اوست و به نظرم این بهتر است از این که بخواهیم سحر بیاموزیم تا سحر ساحران را خنثی کنیم. آیه‌ی مذکور به ما کمک می‌کند که عمرمان را صرف این امور نکنیم، زیرا در مورد آن می‌فرماید: « وَ يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَ لَا يَنْفَعُهُمْ » چیزی را می‌آموزند که نه ضرری به آن‌ها می‌رساند و نه نفعی. اما در مورد علم طلسمات که امثال میرداماد به آن دست زده‌اند، علم به علوم غریبه است که علم مخصوصی است و از حوزه‌ی اطلاعات بنده بیرون است و موضوع کتاب مذکور نیست، ولی طلسم به همان معنایی که بعضی از جادوگران به آن دست می‌زنند مثل همان که فرمودید از استخوان مرده و امثال آن استفاده می‌کنند در حوزه‌ی جادو است و به کمک شیاطین انجام می‌شود و حرف در این موارد همان حرفی است که در مورد جادو و جادوگری زده شد که هیچ نقش استقلالی ندارند و با توسل به خداوند توکل به او به کلی بی‌اثر خواهند بود. در مورد احضار روح، حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» احضار ارواح را از قبیل سحر می‌دانند که تعلیم و تعلم و عمل به آن را حرام می‌دانند (تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۵۲، مسئله‌ی ۱۶). ولی آنچه آیت‌الله حسینی تهرانی در کتاب «معادشناسی» در مورد برادر علامه طباطبایی «رحمه‌الله‌علیه» می‌فرمایند؛ که شاگردی داشتند که با روح علماء ارتباط پیدا می‌کرد و یا آن جلسه‌ای که بنده عرض کردم که روح علامه یا شاگردان علامه انتخاب کرده بودند از طریق یک جوانی پیام‌هایی را به افراد بدهند و یا پرسش‌هایی را جواب دهند، هیچ ربطی به احضار روح ندارد و هیچ کس در آن جلسه برنامه‌ای برای احضار روح نداشت و از شواهد می‌توان احتمال داد که جریان شیطانی نباشد، ولی هرگز چنین مواردی نمی‌تواند مبنای فکر و تصمیم کسی باشد. هیپنوتیزم هیچ ربطی به سیر به عالم برزخ ندارد و از طرف ما راهی جهت ارتباط با ارواح مردگان وجود ندارد، مگر آن که آنان اذن داشته باشند و در خواب به سراغ ما بیایند که اولاً: قابل اعتماد نیست. ثانیاً: عموماً پیام‌ها با احوالات کسی که خواب می‌بیند مخلوط می‌شود. در مورد این که جنیان می‌توانند صورت‌های مختلف به بدن خود بدهند، ظاهراً قضیه از همین قرار است. موفق باشید